

## جلوه‌های سیره نبوی در رهبری انقلاب اسلامی.....

حسین شیدائیان  
پژوهشگر

### چکیده

ولایت فقیه استمرار رهبری انبیاء الهی و پیامبر اکرم (ص) می‌باشد. تبلور سیره پیامبر اعظم (ص) در شیوه رهبری انقلاب اسلامی بیانگر این حقیقت است که علمای متعهد و رهبران دینی جانشینان راستین پیامبر اعظم (ص) هستند. این مقاله با بازخوانی برخی از رفتارهای پیامبر و با تطبیق نمونه‌هایی از شیوه رهبری امام خمینی و مقام معظم رهبری با سیره آن بزرگوار می‌کوشد به اثبات رساند که سیره امام و رهبری و هدایت این انقلاب الگو گرفته از سیره نبوی است.

**کلیدواژه‌ها:** سیره، پیامبر، امام خمینی، مقام معظم رهبری.

### مقدمه

انقلاب شکوهمند اسلامی ایران استمرار حرکت الهی انبیاء عظام (علیهم‌السلام)، و بنیانگذار و مؤسس آن الگو گرفته از انقلاب و حکومت اسلامی پیامبر اعظم (ص) است. امام خمینی در شیوه رهبری از سیره پیامبر الهام گرفته بود. آمیختگی عرفان و جهاد، معنویت و مبارزه، نفوذ معنوی در دعوت الهی، استکبار ستیزی، رأفت و رحمت بر مستضعفان برجسته‌ترین وجه تشابه رهبری امام با سیره رسول اعظم است. تخصص

مدیریتی دینی در حوزه نظریه‌پردازی، تعهد و امانت‌داری در حفظ و گسترش آموزه‌های دینی، شجاعت، جامعیت شخصیتی، اشراف بر مسائل جامعه و قلمرو مسئولیتی و جاذبه‌های تربیتی و اخلاقی، نفوذ معنوی و قدرت کلام، جلوه‌هایی از آئینه تمام‌نمای زیبایی‌های سیره پیامبر اعظم است که در فکر و عمل امام مشاهده شد. مقام معظم رهبری نیز به تبع امام امت تحت تأثیر سیره نبوی در امر رهبری بودند.

پیروی از سیره عملی و نظری پیامبر اسلام (ص) و امامان معصوم علیهم السلام، قوی‌ترین انگیزه‌ای است که امام برای آغاز راه مبارزاتی خود به آن تمسک جست، امام نه تنها سیره این بزرگواران را بهترین الگوی خود قرار داد، بلکه پیروی از آنان را برای خود حجت شرعی می‌دانست و در پاسخ به منتقدان و مخالفان مبارزه علیه رژیم ستمشاهی و استکبار جهانی سیره عملی و سیاست‌های اجرایی پیامبر گرامی اسلام (ص)، حضرت علی (ع) و امام حسین (ع) را مطرح می‌ساخت. بنابراین در اندیشه و سیره امام و رهبری، شیعه واقعی آن است که در تمام ابعاد و جوانب از دستورات و سیره پیامبر و امامان علیهم السلام پیروی کند.

اکنون به اختصار گوشه‌هایی از سیره امام و مقام معظم رهبری که تبلور یافته رفتار نبوی است اشاره می‌کنیم.

## ۱. دعوت و قیام

پس از آن که رژیم منحوس ستمشاهی به مرور زمان فعالیت‌های بهائیان و یهودیان را در کشور آزاد گذاشت و از آن‌ها حمایت کرد و سپس طرح و لایحه انجمن‌های ایالتی و ولایتی و دیگر برنامه‌های دین‌زدایی رژیم مطرح شد، امام به تنهایی مبارزه را با نصیحت و دعوت به مبانی ارزشی اسلام آغاز کرد و با نوشتن و ارسال دو تلگراف به شخص شاه با لحنی ملایم و نصیحت‌آمیز همراه با دعا، رژیم سلطنتی و جامعه ایران را از سقوط به ورطه بی‌دینی برحذر داشت و دولت‌مردان را به التزام عملی قوانین اسلام فراخواند.<sup>۱</sup> آن‌گاه که هیأت حاکمه وابستگی و سرسپردگی خود را به اجانب اثبات کرد و اندرزهای حکیمانه و پیامبرگونه امام را نادیده گرفت، امام با آگاه‌سازی توده‌های مردم و با بهره‌گیری از دو عنصر تحرک‌آفرین دینی «یعنی امر به معروف و نهی از منکر» و «تکلیف الهی» یک‌ه و تنها، مسیر

مبارزه با دشمنان و راه‌های هدایت الهی و دینی را به مردم ایران گوشزد نمود و با بیان و بنان دعوت و قیام خود را در میان توده‌های میلیونی مردم گسترش داد. این روش و تدبیر امام، همانند بعثت و پیامبری حضرت رسول اعظم در مکه است که به تنهایی رسالت الهی را به سران و کفار قریش ابلاغ نمود. آیات کلی که به پیامبر نازل می‌شد احکام فقهی و حقوقی کمتر در آن مشاهده می‌شود و این دلیل آن است که پیامبر در آغاز راه تبلیغ دین فقط با انداز و بشارت برای هدایت مردم کار خود را آغاز نمود، و به دستور قرآن کریم پیامبر با روش دعوت به حق و جدال احسن مبارزه را آغاز کرد.<sup>۲</sup>

## ۲. هدایت مردم

درک صحیح و شناخت عمیق امام از قرآن و سیره و سنت نبوی و ائمه معصومین علیهم‌السلام و پیگیری تحولات سیاسی اجتماعی جهان اسلام و ایران و احاطه کامل به فراز و نشیب‌های نهضت‌های تاریخ معاصر رهبری خود را به شیوه پیامبر آغاز کرد. ایشان از تشکیل یا تکیه به حزب خاص سیاسی شدیداً پرهیز کرد. و با مخاطب قرار دادن مردم در سخنرانی‌ها و پیام‌ها، یک ارتباط تشکیلاتی منظم و پیچیده مبارزاتی مردمی پدید آورد که نیروهای امنیتی رژیم شاه از کشف و خنثی سازی آن ناتوان شدند. هنگامی که برخی از علمای عراق از سرنگونی رژیم شاه توسط سیاست‌ها و برنامه‌های امام مایوس بودند و کمبود و نداشتن امکانات نظامی و تسلیحاتی را یادآوری می‌کردند، امام، این فقیه دوران‌دیش، با توجه به نقش انبیاپی علما در هدایت مردم فرمود: «ما نیرویی داریم که به مراتب از بمب کارسازتر است»<sup>۳</sup> و با این جمله مسئولیت علمای متعهد را برای هدایت مردم و خروج آنان از ظلمات ستمشاهی به نور ارزش‌های اسلامی یادآور شد و در دوران مبارزه پیامبرگونه خود، هیچ‌گاه مجوز اقدام مسلحانه علیه هیأت حاکمه را صادر نکرد.

هنگامی که هیأت مؤتلفه نماینده‌ای را برای کسب اجازه و نظر امام برای ترور عوامل رژیم به عنوان مفسد فی الارض، خدمت ایشان اعزام می‌کند، امام به آن‌ها پاسخ منفی می‌دهد.<sup>۴</sup> در سال ۵۷ هنگام اوج‌گیری انقلاب مجدداً آیت‌... طاهری خرم‌آبادی به نمایندگی گروه‌های اسلامی چنین خواسته‌ای را مطرح می‌سازد و امام ضمن مخالفت با اقدامات مسلحانه می‌فرماید ما باید از طریق فقه و فقاہت و ارتباط با مردم نهضت اسلامی

را به سرانجام برسانیم.<sup>۵</sup> اواخر دوران اقامت امام در عراق کردهای مبارز مخالف صدام نیز نماینده‌ای خدمت امام اعزام می‌کنند تا مجوز قیام مسلحانه به طرفداری از امام در عراق بگیرند و امام ضمن خودداری از ملاقات با نماینده اعزامی، این طرح مسلحانه را تأیید نمی‌نماید.<sup>۶</sup> در دهه پنجاه که هنوز ماهیت سازمان مجاهدین خلق (منافقین) برای بسیاری از بزرگان و انقلابیون افشا نشده بود نماینده‌ای از این سازمان با سفارشات و تأییداتی از سوی علما و مبارزان پیشتاز انقلاب، در نجف از امام تقاضای موافقت به قیام مسلحانه می‌نماید و امام ضمن نقد افکار و عدم تأیید اعتقادی و سیاسی این سازمان تقاضای آن‌ها مبنی بر موافقت قیام مسلحانه را شدیداً نفی می‌نماید.<sup>۷</sup>

این گونه موضع‌گیری و تدبیر حکیمانه امام به پیروی از سیره پیامبر است که ایشان در مکه تحت شدیدترین رفتار خشن مشرکان و در مدینه در فضایی آرام به هدایت فکری و تقویت تفکر و اندیشه توده مردم می‌پرداخت. اصولاً در نظام اسلامی صدر اسلام و پیامبر اعظم (ص) و دوران امام خمینی و مقام معظم رهبری، گرایش‌های مردم هدایت یافته باعث تقویت و اقتدار رهبری شده است و تبلور عینی و عملی رهبری امام، مقام معظم رهبری و پیامبر منبعت از اراده جمعی ملت مسلمان در پیوستگی به انقلاب و اطاعت از رهبری بوده است. این اراده و عزم ملی نیز در پرتو هدایت‌های صابرا نه و حکیمانه رهبر پدید آمده است، نه حرکت‌های سازمانی محدود و مسلحانه که برخی گروه‌های اسلامی و غیر اسلامی خواستار آن بودند.

### ۳. تشکیل حکومت

امام از بی نظیرترین فقیهان و عالمانی بود که توانست با قیام و رهبری خود رژیم ستمشاهی ۲۵۰۰ ساله را سرنگون و جمهوری اسلامی را جایگزین آن سازد و نهادها و سازمان‌های انقلابی و دولتی را یکی پس از دیگری مستقر نماید و همه تشکیلات را تحت سیاست‌های ولایت فقیه رهبری نماید.

البته ایشان ایده و تئوری حکومت اسلامی و ولایت فقیه را از سال‌ها قبل در نجف مطرح ساخته و یکی از استدلال‌ها و مستندات ایشان بر توانایی اسلام در اداره حکومت، سیره پیامبر اعظم (ص) می‌باشد.<sup>۸</sup>

رسول اکرم (ص) علاوه بر این که رهبری الهی و معنوی به معنای جامع و کامل آن بود، مدیریت و رهبری سازمانی را در جامعه انجام می داد. و با تشکیل حکومت و تنظیم سازمان و ساختار حکومتی و تعیین کارگزاران و رسیدگی به مسائل خرد و کلان نظامی، سیاسی، اجتماعی، قضایی و اقتصادی و فرهنگی، اسوه‌ای شد تا امام خمینی نیز بر همین روش سازمان و ساختار حکومت را ترسیم نماید. و نهادهای قانونی و انقلابی را در جهت تثبیت حکومت تعیین و تأیید نماید. مقام معظم رهبری نیز به تبع از امام خمینی مدل رفتاری سیره پیامبر در تشکیل حکومت و لوازم آن را مورد توجه قرار دادند.

#### ۴. احیای ارزش‌های دینی

در عصر انزوای دین امام تنها پرچمدار مبارزات دین اسلام بود زیرا همزمان با دوران قیام امام، مکتب‌های غربی و التقاطی و دیگر ایده‌های ساخته بشر، دین اسلام را اقیون جامعه و ناکارآمد معرفی کرده بودند در حوزه فرهنگی نیز فساد و فحشا و غریب‌دگی جایگزین ارزش‌های دینی در جامعه شده بود.

امام با قیام و انقلاب و تشکیل حکومت غبارهای چند قرن بدعت‌ها و ستم‌ها را از ارزش‌های دینی زدود و حیاتی تازه به کالبد فسرده دین پیامبر دمید و علاوه بر کارآمد نشان دادن دین در اداره دنیای مردم، ارزش‌هایی همچون، ایثار، شهادت‌طلبی، استکبارستیزی، برائت از مشرکین و جمعه و جماعت، دعا و مناجات و... را جایگزین فرهنگ غلط طاغوت نمود. و به مسلمانان و شیعیان هویت بخشید و اسلام را سرفراز کرد و در پرتو این ارزش‌ها انسان‌هایی فداکار تربیت کرد که توانستند همپای تدابیر رهبری، در جهان اسلام شگفتی خلق نمایند.

همانطور که مردم جاهلیت قبل از اسلام، پول، ثروت، رنگ و تعصبات قومی و قبیله را ارزش می‌دانستند در پرتو کیمیای احیای ارزش‌های دینی و انسانی توسط پیامبر اعظم (ص) مس وجود چنین افرادی به طلای ناب جهاد و ایثار و شهادت‌طلبی و تقوا و ایمان و اخلاص تبدیل گردید و همان‌گونه که می‌توان از معجزات بزرگ رسول اکرم (ص)، تحول فرهنگی ایشان را در جاهلیت عرب و دیگر مناطق جهان برشمرد، از جمله کرامات

امام خمینی، یگانه اسوه خدامحوری و احیاگر اسلام ناب محمدی در عصر حاضر را تحول فرهنگ عمومی مسلمانان و بازگشت به هویت اصیل اسلامی در پرتو احیای دین دانست. یکی از سفرای کشورهای عربی به یکی از علمای قم گفت: خدمت بزرگی که امام کرد این است که ثابت کرد، اسلام دین گذشته نیست، بلکه هم گذشته و هم حال و آینده است.<sup>۹</sup> پیامبر با فتح مکه در نزد مردم ثابت کرد که اسلام توانایی فتح پایگاه مرکزی شرک و بت پرستی را دارد و می تواند بردگان را از قید ظالمان رها سازد و به انسان های فداکار و آزاد و دلاور تبدیل نماید. و مهر بطلان بر تهمت جاهلانی که پیامبر را شاعر و ساحر تصور می کردند بزند. امام نیز با عنایت بخشیدن به ایدئولوژی و ارزش های اسلام در عرصه های سیاست داخلی و خارجی تهمت های ناروا و گمانه زنی های باطل را در ناتوانی و افیون دانستن دین را باطل کرد. در تداوم حرکت امام گونه بنیانگزار انقلاب، مقام معظم رهبری نیز همواره احیاگر ارزش های اسلامی در بین همه اقشار جامعه اسلامی بودند.

## ۵. عفو و رحمت

آن گاه که شهر مکه با تدبیر پیامبر بدون خونریزی فتح شد، پرچم در دست سعد بن عباده بود و او اشعار انتقام جویی می خواند، پیامبر حضرت علی (ع) را مأمور کرد تا پرچم را از سعد بگیرد و ندای عفو و رحمت را بلند کند.<sup>۱۰</sup> سپس حضرت به جز تعداد محدود افرادی که می بایست به سزای جنایت و خیانتشان برسند همه را بخشید، حتی «وحشی» قاتل حمزه که هنگام اسلام آوردن به تقاضای پیامبر ماجرای شهادت حمزه را تعریف کرد. پیامبر به او فرمود برخیز و روی خود را از من پنهان کن!<sup>۱۱</sup> امام پس از پیروزی انقلاب به جز مهره های کلید رژیم شاه که طراحان اصلی خیانت و جنایت به ملت بودند رده های میانی و پایینی سیستم حکومتی رژیم را در نیروهای نظامی و اطلاعاتی و سیاسی و اداری بخشید و با اعلام عفو عمومی آنان را جذب سازمان های دولتی جمهوری اسلامی کرد.<sup>۱۲</sup> ایشان همچنین غیبت کنندگان و توهین کنندگان به خود را بخشید،<sup>۱۳</sup> دایره رحمت و بزرگواری پیامبر گونه امام بسیار گسترده بود. حاج احمد آقا نقل می کند که امام مخفیانه به کسانی کمک مالی می کرد که بسیاری از آنان را ضد انقلاب می دانست<sup>۱۴</sup> زیرا امام مسائل شخصی و مخالفت با خود را ملاک ارزیابی افراد قرار نمی داد

بلکه به نیت هدایت و جذب قلوب همواره دعا می‌کرد تا روحانیونی که به دلایلی حساب خود را از مسیر ایشان جدا کرده بودند به دامن انقلاب و ملت بازگردند.<sup>۱۵</sup> هنگامی که یکی از جاسوسان آمریکایی در لانه جاسوسی به بیماری مزمنی دچار شده بود، امام دستور آزادی و اعزام او به آمریکا را صادر فرمود.<sup>۱۶</sup>

مقام معظم رهبری نیز به پیروی از سیره پیامبر و امام خمینی پس از رهبری خود فرمود من بعد از آغاز دوره رهبری همه کسانی را که از آن‌ها گله داشتم بخشیدم و حلال کردم. یکی از افرادی که در مشهد علیه رهبری فعالیت‌هایی داشت در یکی از سفرهای مقام معظم رهبری در مشهد با ایشان دیداری داشتند. رهبری در آن دیدار خطاب به او می‌فرماید: یکی از کسانی را که در حقشان دعا می‌کنم پدر شما هستند، زیرا پدر شما یکی از دوستان صمیمی پدر من بود و من همان‌طور که به دوستان خود علاقمندم به دوستان پدرم هم علاقمندم. مقام معظم رهبری با این رفتار ظریف و لطیف، کرامت و بزرگواری و گذشت خود را نسبت به رفتارهای فرد مخالف خود ابراز داشتند.<sup>۱۷</sup>

## ۶. مردم‌داری

رفتارهای سنجیده و متواضعانه و ملایم بدون تحکم و درستی و سخت‌گیری پیامبر بر مردم در شکل‌گیری مناسبات اجتماعی و ارتباط مردم و رهبری او نقش عمده‌ای داشت. پیامبر به گونه‌ای انذار و بشارت الهی خود را انجام می‌داد و قوانین الهی را ابلاغ و تشریح و سپس به اجرا می‌گذاشت که مردم از دین و رهبری و حکومت فرار نکنند. از این رو وقتی معاذ بن جبل را برای دعوت مردم و تبلیغ دین به یمن فرستاد به او فرمود: *بَيِّرْهُ وَلَا تُعَيِّرْهُ وَلَا تُفَيِّرْهُ*؛ بر مردم آسان‌گیر و سخت‌مگیر نوید دهنده باش و آنان را فراری مده و نفرت ایجاد مکن.<sup>۱۸</sup>

امام حضور مردم در صحنه‌های سیاسی اجتماعی و نظامی را یکی از پایه‌ها و ارکان اصلی نظام جمهوری اسلامی می‌داشت. و همواره سیاست‌گذاری و تدابیر کلی و جزئی نظام را بر محور آسایش و جلب رضایت و جذب قلوب مردم ترسیم می‌کرد و به مسئولان می‌فرمود: ما باید این قدر سخت‌نگیریم و به فکر مردم باشیم. مردم ما خیلی زحمت کشیده‌اند. مردم عادی غیر از طبقه مرفه هستند، مردم عادی ما اسلام را پیاده کرده‌اند و تمام

زحمات حکومت را متحمل می‌شوند، پس ما باید بسیار به فکر مردم باشیم و بر آنان سخت نگیریم که از صحنه خارج شوند.<sup>۱۹</sup>

مقام معظم رهبری نیز این روش را استمرار بخشیدند و کارگزاران نظام اسلامی را به خدمتگزاری بیشتر به ولی نعمتان خود فراخواندند: ... آنچه که در مجلس تصویب می‌شود و آنچه که در دولت اجرا می‌شود و آنچه که در قوه‌ی قضائیه عمل می‌گردد. مهم این است که جهت کلی سیاست‌های مادر همه این مراکز بایستی تأمین و حفظ منافع طبقات محروم و مستضعف باشد.<sup>۲۰</sup>

## ۷. روابط بین‌الملل

پیامبر اعظم (ص) پس از استقرار و تثبیت حکومت اسلامی در مدینه سیاست صدور انقلاب اسلامی و نشر تعالیم دینی را به منظور هدایت ملت‌ها و پادشاهان معاصر و ارتباط با سایر کشورهای دیگر را در دستور کار خود قرار داد و نامه‌هایی به پادشاهان روم، حبشه، اسکندریه و یمامه نگاشت. قریب به ۱۸۵ نامه از متون نامه‌های پیامبر که برای تبلیغ و دعوت به اسلام و یا به عنوان میثاق و پیمان نوشته شده توسط محدثان و تاریخ‌نویسان ثبت شده است.<sup>۲۱</sup> امام با شناخت و مطالعه و پیگیری تحولات جهان، جهت گسترش اسلامخواهی و بیداری اسلامی و اثرگذاری در معادلات سیاسی جهان و صدور فرهنگ انقلاب اسلامی سیاست خارجی را بر مینا و اصول استوار «لَا تُظْلَمُونَ وَلَا تَظْلَمُونَ» پایه‌ریزی کرد و ارتباط با دولت‌های همسورا گسترش داد، و در سال‌های ۵۷-۵۸ و ۵۹ ملاقات‌های فراوان خصوصی با فرستادگان یا هیأت‌های مختلف سیاسی بین‌المللی داشت. حسن همجواری برای کشورهای همسایه و احترام متقابل برای دیگر کشورها از اصول روابط بین‌الملل بود که از سوی امام پیگیری می‌شد. ایشان در یکی از بیانات خود فرمود: «ما یلیم که به طور مسالمت‌آمیز، به طور انسانی رفتار کنیم و البته دولت ما هر طور که مصلحت بداند در روابط اقتصادی، روابط تجاری و سایر اموری که مربوط به دولت است عمل خواهد کرد، این دولت دولت اسلامی و تحت رهبری رهبران اسلام است... من از خدای تبارک و تعالی خواهانم که روابط ما با همه دولت‌ها و ملت‌ها حسنه باشد.»<sup>۲۲</sup>



امام در پاسخ به انتقاد و رفتارهای کوتاه فکran درباره سیاست خارجی و روابط بین‌الملل فرمود: ما باید همان‌گونه که در زمان صدر اسلام، پیامبر سفیر به این طرف و آن طرف می‌فرستاد که روابط درست کند، عمل کنیم؛ و نمی‌توانیم بنشینیم و بگوییم که با دولت‌ها چه کار داریم. این برخلاف عقل و شرع است و ما باید با همه رابطه داشته باشیم، منتها چند تا استثنا می‌شود<sup>۲۳</sup> و الآن هم با آن‌ها رابطه نداریم.<sup>۲۴</sup> مقام معظم رهبری نیز این روش پیامبر گونه امام را بر مبنای عزت، حکمت و مصلحت استمرار بخشیدند و روابط بین‌الملل و سیاست خارجی نظام جمهوری اسلامی را در آسیای میانه، شرق آسیا، کشورهای مشترک المنافع، و غیر متعهدها، اتحادیه آفریقا و کشورهای اسلامی گسترش دادند و پس از فروپاشی رژیم نژادپرست آبارتاید رابطه جمهوری اسلامی با آفریقای جنوبی را برقرار ساختند و اکنون در پرتو تدابیر حکیمانه مقام معظم رهبری نظام جمهوری اسلامی در حل مناقشات بین‌المللی جایگاه مقتدرانه و مدبرانه‌ای دارد. ایشان همواره تأکید دارند که سیاست‌ها و برنامه‌های وزارت امور خارجه و دیگر سازمان‌های ذیربط باید به گونه‌ای باشد که تأثیرگذاری جمهوری اسلامی در جهان سیاست محفوظ بماند: «ما می‌توانیم مجموعه‌های متناسب ایجاد کنیم، ما در آسیا، در خاور میانه، در مجموعه‌ی کشورهای اسلامی، در منطقه‌ی شرق عالم و احیاناً در مجموعه‌های دیگر می‌توانیم فعال و مجموعه‌ساز باشیم»<sup>۲۵</sup>.

## ۸. رهبری دفاع مقدس

برای نخستین بار در تاریخ مرجعیت شیعه فقهی جامع شرایط در جایگاه رفیع و بسیار حساس فرماندهی کل نیروهای مسلح قرار گرفت و نبردی سخت و طاقت‌فرسا را هدایت کرد. امام با الهام از فرهنگ غنی اسلام و سیره جهادی پیامبر(ص) و حضرت علی(ع) تدابیری شگفت و شیوه‌های نو ابداع کرد. یکی از جلوه‌های ناب و جذاب سیره پیامبر در رهبری امام خمینی در دوران هشت سال دفاع مقدس تبلور یافت. امام با آشنایی به رمز موفقیت تدابیر پیامبر در جنگ‌ها و پیشرفت و پیروزی سریع سپاهیان صدر اسلام؛ با تجهیزات نظامی و امکانات اندک و تکیه بر ایمان و اتکال به خدا و تقویت نگرش معنوی و روحی ملت ایران، آنان را برای آفریدن حماسه پرشکوه دفاع مقدس بسیج کرد. در نخستین

روزهایی که ملت ایران دفاع مقدس را تجربه می‌کرد. امام با اشاره به تاریخ صدر اسلام و جنگ‌های پیامبر (ص) و حضرت علی (ع) فرمود: «ما نباید از جنگ بترسیم، پیغمبر اکرم جنگ کرده است برای اسلام، حضرت امیر جنگ کرده است برای اسلام، صدر اسلام در یک چند سال چندین جنگ، هشتاد تا، چقدر جنگ واقع شد، ما باید مهیا بشویم برای جنگ‌ها و ما قدرت داریم.»<sup>۲۶</sup>

پیامبر (ص) هنگام اعزام لشکر به جنگ به آنان رعایت اصول انسانی و اخلاقی را یادآور می‌شد تا به کودکان، مزارع، درختان و بی‌گناهان آسیبی نرسد.<sup>۲۷</sup> امام خمینی نیز در طول جنگ همواره رزمندگان شجاع و دلاور اسلامی را به عدم تعرض به مردم عراق و عمل به قواعد اسلامی و رعایت رفتار انسانی با اسیران را تذکر می‌داد.<sup>۲۸</sup>

و بدین سان امام در پیروی از پیامبر در رهبری دفاع مقدس و هدایت رزمندگان اسلام پیروز و سربلند بیرون آمد و فرماندهان و سیاستمداران جهان را شگفت‌زده کرد.

## ۹. تکریم پیشگامان جهاد

کسانی که در روزهای غربت اسلام و پیامبر به ندای وحی لبیک گفته بودند، در نزد پیامبر (ص) جایگاه و ارزشی بهتر و والاتر از متأخرین داشتند. روزی پیامبر در مسجد نشسته بود و به علت کثرت جمعیت جای خالی در مسجد وجود نداشت. در همین حال گروهی از اهل بدر وارد مسجد شده و به پیامبر و حاضرین سلام گفتند و پاسخ گرفتند، اما همچنان روی پا ایستاده بودند و جمعیت برای گروه بدر جایی باز نکردند. پیامبر در این هنگام به تعدادی از انصار و مهاجرین غیر بدر گفت فلانی و فلانی برخیزید و به گروه اهل بدر جای دهید! این تکریم و بزرگداشت پیامبر از اهل بدر در میان سایر یاران و اصحاب پیامبر باعث شد که اهل بدر در میان مسلمانان صدر اسلام از احترام و امتیاز خاصی برخوردار شوند.<sup>۲۹</sup>

پیشکسوتان مبارزه و رزمندگان دلاور اسلام در نزد امام موقعیت و احترام ویژه‌ای داشتند ایشان به مسئولان تذکر دادند که: «در تقدّم ملاک‌ها هیچ ارزشی و ملاکی مهمتر از تقوا و جهاد در راه خدا نیست و همین تقدم ارزشی و الهی باید معیار انتخاب و امتیاز دادن به افراد و استفاده از امکانات و تصدی مسئولیت‌ها و اداره کشور و بالاخره جایگزین همه

سنت‌ها و امتیازات غلط مادی و نفسانی بشود، چه در زمان جنگ، و چه در حالت صلح، چه امروز و چه فردا که خدا این امتیاز را به آنان عنایت فرموده است.<sup>۳۰</sup>

امام همواره در پیام‌های خود از ایثارگران، رزمندگان، جانبازان تجلیل و تکریم می‌کردند در ماه‌های پایان عمر شریفش، به توصیه پزشکان ملاقات عمومی ایشان بسیار کم یا تعطیل شده بود، اما ایشان برای خانواده‌های شهدا و ایثارگران امتیاز خاصی قائل بودند و در یادداشتی خطاب به مسئولان دفترشان نوشتند: «من ناراحتی تنفسی دارم. فعلاً برایم ملاقات نگذارد. اما از دیدار با خانواده شهیدان مضایقه نکنید.»<sup>۳۱</sup>

اکنون نیز مقام معظم رهبری به ایثارگران، رزمندگان دلاور دوران دفاع مقدس ارادت خاصی دارند و امتیازات ویژه‌ای برای آنان قائل است و برنامه‌های منظمی برای دیدار با خانواده جانبازان و شهدا دارند و شخصاً به منزل آنان سر می‌زنند و فرزندان‌شان را مورد تفقد قرار می‌دهند و با صبر و حوصله به مطالب و خواسته‌های آنان گوش می‌دهد و در رفع حوائج خانواده‌های شهدا و ایثارگران می‌کوشد.<sup>۳۲</sup>

## ۱۰. قاطعیت

عفو و رحمت پیامبر مانعی برای قاطعیت در اجرای حدود و دستورات الهی نبود و هر جا حریم دین و قانون الهی مورد تعرض قرار می‌گرفت و یا کیان نظام اسلامی به خطر می‌افتاد، پیامبر قاطعانه از حدود الهی دفاع می‌کرد و بارانت خواری سیاسی و طایفه‌ای شدیداً مقابله می‌کرد. زنی از قبایل بنی‌نضیر با نفوذ و سرشناس و بزرگان عرب دزدی کرده بود و مقرر شد که حدود الهی جاری گردد. عده‌ای از قریش برای وساطت و جلوگیری از اجرای حدود الهی خدمت پیامبر رسیدند. و گفتند شما ملاحظه مسائل سیاسی را بکنید و در این مورد حدود الهی را اجرا نکنید، پیامبر در پاسخ آنان فرمود: همانا بنی اسرائیل برای آن هلاک شدند که حدود الهی را بر ضعف‌ها و افراد بی‌نام و نشان و ناتوان جاری می‌کردند، ولی در مورد افراد توانا و اشراف و آن‌ها که در جامعه نفوذ داشتند حدود الهی اجرا نمی‌شد.<sup>۳۳</sup> سپس قاطعانه حدود الهی را اجرا نمود.

ویژگی برجسته امام که شگفتی دوستان و یارانش را نیز برانگیخته بود، قاطعیت در تصمیم‌گیری‌های او بود. مبارزه با رژیم شاه تا سرنگونی حکومت ستمشاهی، مقابله با

عناصر ضد انقلاب در کردستان، سازش‌ناپذیری در برابر تهدیدات استکبار جهانی، عزل بنی صدر، صدور فرمان‌های نظامی در دوران دفاع مقدس، عزل منتظری، و برخورد با باند مهدی هاشمی، صدور فتوای قتل سلمان رشدی و... از مصادیق و جلوه‌های قاطعیت امام در دوران رهبری ایشان بود.

آقای ری‌شهری می‌گوید پس از ناکامی نقشه خائنه و سنگین کودتای قطب‌زاده، محاکمه و بازجویی قطب‌زاده انجام و روند صدور حکم اعدام مهیا شد. تعدادی مسئولان سیاسی اعدام او را مخالف مصالح سیاسی کشور دانستند و قصد داشتند نزد امام شفاعت کنند، وقتی امام در جریان بخش‌هایی از پرونده قطور توطئه و اعترافات قطب‌زاده قرار گرفت، فرمود حکمش قتل است.<sup>۳۴</sup> از همین رو در اجرای حکم الهی میان کودتاگران هیچ تفاوت و امتیازی صورت نگرفت و قاطعیت امام باعث شده مهره اصلی توطئه کودتا به سزای اعمالش برسد.

## ۱۱. ساده‌زیستی

پیامبر اسلام از دنیا چندان نخورد که دهان را پر کند، یادش را از جان خود ریشه‌کن کرد و همواره دوست داشت جاذبه‌های دنیا از دیدگانش پنهان بماند و از آن لباس زیبایی تهیه نکند.<sup>۳۵</sup> زیرانداز آن حضرت یک عبا و متکایش از پوست و بار آن از ساقه‌های خرما بود.<sup>۳۶</sup> زندگی امام به عنوان رهبر جهان اسلام و انقلاب اسلامی از هرگونه تشریفات و تجملات میرا بود سطح زندگی و مصرف در منزل خود را در شرایط و اندازه مردم متوسط و بلکه پایین جامعه قرار داد. وقتی رئیس‌جمهوری برنام‌های تهیه شده استقبال از امام به محضرشان در پاریس ارائه شد، بلافاصله فرمود: مگر کوروش را می‌خواهند وارد ایران بکنند؟ یک طلبه از ایران خارج شده، همان طلبه برمی‌گردد.<sup>۳۷</sup> اثاث منزل امام در کمال سادگی بود نرش اتاق امام درشت‌باف و ارزان‌قیمت بود.<sup>۳۸</sup> هنگامی که می‌خواستند حسینیه جماران را گنج‌کاری و زیباسازی نمایند امام پیغام دادند اگر می‌خواهید اینجا را تعمیر کنید بگذارید برای من و منم. هر چه از دنیا رفتیم.<sup>۳۹</sup>

زندگی مقام معظم رهبری در دوران ریاست جمهوری و رهبری همان امکانات شخصی و قدیمی خودش را در اختیار می‌گذاشت. استفاده می‌کرد و درون منزل او بی‌آلایش و به دو-

از تجملات است. حاج احمد آقا نقل می‌کند من از داخل منزل رهبری مطلع هستم. در منزل مقام معظم رهبری بیش از یک نوع غذا در سر سفره ندارند، خانواده ایشان روی موکت زندگی می‌کنند. روزی به منزل ایشان رفتم، یک فرش مندرس و پوسیده آن جا بود و من از زبری و خشنی آن فرش که ظاهراً تجهیزیه همسر ایشان است به موکت پناه بردم.<sup>۴۰</sup> و این زندگی و سیره ساده‌زیستی امام و رهبری تأثیر فراوانی در قدرت روحی و نفوذ معنوی آنان در میان ملت ایران و مسلمانان جهان داشته و دارد.

## ۱۲. پناهگاه کارگزاران

دل آرام و قلب مطمئن حضرت امام حاصل ایمان محکم و اعتقاد راسخ او به دریای بیکران الطاف الهی بود، آرامشی که تندباد حوادث سخت و بحران‌های مختلف آن را در هم نمی‌شکست در دوران انقلاب و رهبری امام فراز و نشیب‌هایی در مسیر نظام اسلامی قرار داشت و رویدادهایی پدید آمد که همه مسئولان نظام برای چاره‌جویی به امام پناه می‌بردند و از اقیانوس عظیم توکل و سکینه قلبی او مدد می‌جستند و در سایه عرفان عمیقش آرامش می‌یافتند. همانگونه که حضرت علی در وصف جایگاه معنوی پیامبر و پناهگاه بودن برای یارانش می‌فرماید: «كُنَّا إِذَا أَمَرَ النَّاسَ إِيْتَيْنَا بِرَسُولِ اللَّهِ»<sup>۴۱</sup> هرگاه در جنگ‌ها کار بر ما سخت می‌شد و احساس ضعف می‌کردیم به رسول الله پناه می‌بردیم.

مقام معظم رهبری می‌فرماید: وقتی این جمله امیرالمؤمنین به یادم می‌آمد، می‌دیدم بر وضع ما نیز صادق است؛ مکرر اتفاق می‌افتاد که سر قضایای مختلف با برادران مسئول می‌نشستیم و فکرهایمان را تبادل می‌کردیم و مشکل را در مجموعه‌یی می‌گذاشتیم و خدمت امام می‌بردیم و او بود که با نظر صائب و اراده قوی و ایمان و توکل بی‌نظیر خود مشکل را حل می‌کرد.<sup>۴۲</sup> بعد از امام امت، مقام معظم رهبری نیز همانند استاد خود پناهگاه کارگزاران نظام بوده و می‌باشند.

آیت‌ا... طالقانی می‌گفت هرگاه که در برابر انبوه مشکلات احساس نگرانی می‌کنم به خدمت حضرت امام می‌رسم و در حضورشان نگرانی‌ام به آرامش تبدیل می‌شود.<sup>۴۳</sup> شهید بهشتی نیز درباره قوت روحی و اراده و ایمان امام در حل مشکلات متعدد و پیچیده نظام جمهوری اسلامی فرمود: هر بار در برابر مسائل دشوار و پیچیده و نگرانی‌آور

قرار می‌گرفتیم، مشکلات را نزد پیر مغان می‌بردیم و با او در میان می‌گذاشتیم، امام رهنمودی قاطع و روشن فراراهمان می‌نهاد.<sup>۴۴</sup>

### ۱۳. مشورت

پیامبر اعظم به دستور خداوند در برخی مواقع برای تصمیم‌گیری با اصحاب و یاران مشورت می‌کرد. و با کسب رأی و نظر یاران تصمیم می‌گرفت و این روش در جنگ‌ها بیشتر کاربرد داشت. در جنگ احزاب پیامبر با اطلاع از تصمیم دشمنان، اصحاب خود را جمع کرد و در مورد کیفیت دفاع و مبارزه با سپاه عظیم دشمن با آنان مشورت کرد. به پیشنهاد سلمان فارسی و تأیید پیامبر قرار بر این شد تا دور مدینه گودالی بزرگ حفر کنند، تا از ورود دشمن به داخل شهر جلوگیری نمایند.<sup>۴۵</sup>

امام خمینی پس از تثبیت نظام اسلامی و تعیین جایگاه‌های حقوقی نهادها، در موارد حساس و خاص با مسئولان عالی‌رتبه نظام مشورت می‌کرد و جمع‌بندی دیدگاه‌ها و نظرات در موضوع مطرحه مبنای تصمیم‌گیری ایشان قرار می‌گرفت. مهمترین و برجسته‌ترین موضوع مورد مشورت امام با مسئولان یکی استمرار جنگ و دفاع در خاک عراق پس از فتح خرمشهر بود که امام نظر کارشناسان سیاسی نظامی را پذیرفت<sup>۴۶</sup> و دیگری قبول قطعنامه ۵۹۸ شورای امنیت سازمان ملل بود که پس از شرایط سخت دوران پایان جنگ و تأیید نظر مسئولان عالی‌رتبه مبنی بر آتش بس در شرایط حساس کشور، امام رسماً قطعنامه را پذیرفت.<sup>۴۷</sup> از آن پس امام برای حل برخی معضلات داخلی مجمع تشخیص مصلحت نظام تشکیل داد و در هنگام صدور فرمان بازنگری قانون اساسی پیشنهاد قانونی ساختن این مجمع جهت تقویت بازوی مشورتی رهبری نظام را اعلام نمود.

مقام معظم رهبری نیز در تصمیم‌گیری کلان سیاست‌های داخلی و خارجی علاوه بر فراخوان دیدگاه‌های مجمع تشخیص مصلحت نظام از مشاوران صدیق و کارشناسان عالی‌رتبه بهره‌مند می‌شود تا تدابیر جامع و کامل‌تری برای حل مشکلات و معضلات اتخاذ شود.

### ۱۴. صلابت و پایداری

آنگاه که چاره‌اندیشی و پیشنهادات سران ثروتمند و بت‌پرست قریش برای فرونشاندن فروغ هدایتگرانه پیامبر اسلام و مهار گسترش روزافزون مکتب حیاتبخش اسلام سودی نبخشید؛

سران قریش نزد ابوطالب آمدند و با او اتمام حجت کردند و گفتند برادرزاده‌ات به خدایان ما عیب می‌گیرد و آنان را ناسزا می‌گوید و پدران ما را گمراه می‌داند یا خود مانع تبلیغ او باش، یا با تو نبرد می‌کنیم. ابوطالب سخنان سران قریش را با پیامبر در میان گذاشت. آن حضرت فرمود: «آیا آنان را به کلمه‌ای که از هر جهت برایشان بهتر است و در سایه آن سیادت پیدا خواهند کرد دعوت نکنم...؟» سران قریش گفتند ما حاضریم ده کلمه بگوییم آن کلمه چیست؟ حضرت فرمود بگویید: «لا اله الا الله».

سران قریش خشمگین برخاستند و رفتند. ابوطالب به پیامبر گفت: برادرزاده مرا به انجام چیزی خارج از توانایی ام و ادا مکن. پیامبر فرمود: «به خدا سوگند اگر خورشید در دست راست من و ماه در دست چپ من گذاشته شود از این سخت دست برنخواهم داشت تا یا جاری اش سازم یا در این راه کشته شوم.»<sup>۴۸</sup>

امام خمینی تربیت یافته مکتب محمدی در برابر تهدیدات سخت رژیم پس از حمله به مدرسه فیضیه فرمود: «من اکنون قلب خود را برای سرنیزه‌های مأمورین شما حاضر کردم ولی برای قبول زورگویی‌ها و خضوع در مقابل جباری‌های شما حاضر نخواهم کرد. من به خواست خدا احکام خدا را در هر موضع مناسبی بیان خواهم کرد.»<sup>۴۹</sup> هنگامی که آیت‌الله سعیدی به امام می‌گوید با این وضعیت احتمالاً شما را تنها می‌گذارند؛ ایشان در پاسخ گفت: «اگر جن و انس یک طرف باشند و من یک طرف حرف همین است که می‌گویم.»<sup>۵۰</sup> پس از هجرت امام از عراق و ممانعت کویت از ورود ایشان. امام ناچار به پاریس رفت و در اولین پیام کتبی و سخنان خود به ملت ایران و دنیا اعلام کرد: «پیش من مکان معینی مطرح نیست، عمل به تکلیف الهی مطرح است.»<sup>۵۱</sup> «در نهضت اسلامی و خدمت به مردم مسلمان مکان یا رنج در مکان مطرح نیست.»<sup>۵۲</sup>

روزنامه‌های اروپایی این صلابت و استواری و استقامت امام در راه تکلیف الهی را این‌گونه گزارش داده و بر قلمشان جاری ساختند. «چریک پیر ایران به زمین نمی‌چسبد. او گفته است فردگاه به فردگاه می‌رویم. اگر هیچ جارا همان ندادند، آب‌های آزاد را از ما ننگرفته‌اند، یک کشتی اجاره می‌کنیم در آب‌های آزاد می‌گردیم و فریاد مظلومیت امت ایران را به دنیا اعلام می‌کنیم. استقامت و پایداری مقام معظم رهبری نسبت به مواضع اصولی نظام نیز بیانگر استقامت و مواضع اصولی امام امت می‌باشد.

## سخن پایانی

موفقیت بی نظیر امام در استقامت و پایداری برابر فشارها و تهدیدات دشمنان، صبر و تحمل ناملايمات در دوران تبعید و ثبات قدم در راه تحقق آرمان‌ها و سرافرازی او در رهبری قریب به ده سال نظام جمهوری اسلامی ایران دستاورد مهم پیروی ایشان از سیره عملی و نظری پیامبر اسلام (ص) و امامان معصوم علیه السلام بود.

امام در دوران اوج‌گیری و گسترش انقلاب خط و مشی و اهداف کلی انقلاب را برای مردم ترسیم فرمود:

«پیامبر بزرگ اسلام همه چیزش را فدای اسلام کرد تا پرچم توحید را به اهتزاز درآورد و ما به حکم پیروی از آن بزرگوار باید همه چیزمان را فدا کنیم تا پرچم توحید برقرار ماند!»<sup>۵۴</sup>

امان‌کننده جالب و مهمی که امام تلویحاً درباره موفقیت رهبری انقلاب و نظام جمهوری اسلامی به آن اشاره می‌کند، نقش اطاعت‌پذیری عاشقانه، همراهی با سیاست‌ها و پذیرش دستورات رهبر و التزام عملی ملت به اجرای فرامین رهبری انقلاب اسلامی است. این ویژگی، در اکثریت ملت مسلمان صدر اسلام و دوران ائمه معصومین کمتر مشاهده می‌شد و یا چنین مسلمانان و مؤمنانی در اقلیت بودند. امام به این مطلب به صراحت اشاره می‌کند: «من با جرأت مدعی هستم که ملت ایران و توده میلیونی آن در عصر حاضر بهتر از ملت حجاز در عهد رسول الله (ص) و کوفه و عراق در عهد امیرالمؤمنین و حسین بن علی صلوات الله و سلامه علیهما می‌باشند.»<sup>۵۵</sup> امام سپس به شکایت قرآن از مردمی که حاضر نبودند به جنگ‌ها بروند اشاره می‌کند<sup>۵۶</sup> و می‌فرماید: پیامبر در زمان خودش غریب‌تر و مظلوم‌تر از حالا [بود]، اطاعتش نمی‌کردند، نزدیکانش هم اطاعتش نمی‌کردند.<sup>۵۷</sup>

بحمد الله با حضور مردم در عرصه‌های مختلف و پیوند مستحکم با رهبری سیره و سنت پیامبر اکرم همچنان در تدابیر رهبری انقلاب پابرجا هست و اقتدار نظام جمهوری بیش از پیش در دنیا جلوه می‌کند.



## پی نوشتها:

۱. ر.ک. صحیفه امام، ج ۱، ص ۷۷، ۷۸، ۸۰، ۸۸، ۹۰ و ۲۴۵، مؤسسه آثار امام، چاپ اول، ۱۳۷۸.
۲. نحل / ۱۲۵. (أذْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحُكْمَةِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ وَجَادِلْهُمْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ)
۳. تحلیلی از نهضت امام خمینی، ج ۲، ص ۱۳۵، واحد فرهنگی بنیاد شهید، چاپ اول، ۱۳۶۴.
۴. مجله حضور، ش ۲۸، ص ۲۴۲ و ۲۴۷.
۵. پابه پای آفتاب، ج ۴، ص ۳۴۷، امیررضا ستوده، نشر قطره.
۶. همان، ج ۳، ص ۳۴۹.
۷. ر.ک. صحیفه امام، ج ۱۸، ص ۲۵۵ و ۲۵۶، مؤسسه امام خمینی، چاپ اول، ۱۳۷۸.
۸. ر.ک. ولایت فقیه، ص ۱۸، مؤسسه آثار امام، چاپ ششم، ۱۳۷۶.
۹. تأملی بر احیای تفکر دینی امام خمینی، ص ۵۳، مصاحبه با آیت‌ا... جعفر سبحانی، مؤسسه آثار امام، خرداد ۷۶.
۱۰. ر.ک. مغازی واقدی، ج ۲، ص ۸۲۱-۸۲۲ دارالمعرفة الاسلامیه و اعلام الوری طبرسی، ص ۱۱۶، دارالمعرفة بیروت. و ارشاد، شیخ مفید، ص ۷۱، مکتبه بصیرتی قم.
۱۱. شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج ۴، ص ۲۱۸، دار احیاء التراث العربی.
۱۲. ر.ک. صحیفه امام، ج ۷، ص ۲۱، ۹۲ و ۹۳، ج ۹، ص ۲۶.
۱۳. ر.ک. صحیفه امام، ج ۶، ص ۲۶۴-۲۶۵ و در سایه آفتاب، ص ۹۶، رحیمیان، بنیاد شهید انقلاب اسلامی، چاپ پنجم، ۱۳۷۳.
۱۴. مجموعه مقالات هشتمین سمینار بررسی سیره نظری و عملی امام خمینی، ص ۲۸۵، چاپ اول، جمعیت زنان جمهوری اسلامی ایران.
۱۵. ر.ک. در سایه آفتاب، ص ۹۶ و مهر و قهر، ۱۵۵، انتشارات مرکز فرهنگی شهید مدرس.
۱۶. ر.ک. مهر و قهر، ص ۱۵۵، محمدرضا سبحانی نیا، سعیدرضا علی عسگری، انتشارات مرکز فرهنگی شهید مدرس، ۱۳۷۹.
۱۷. در سایه خورشید، ص ۸۴، هادی قطبی، چاپ باقری، سال ۱۳۸۱.
۱۸. سیره ابن هشام، ج ۴، ص ۲۶۰، دار احیاء التراث العربی، بیروت.
۱۹. صحیفه امام، ج ۱۹، ص ۴۴.
۲۰. راهبردهای اساسی خدمتگزاری، ص ۲۹۷، مؤسسه قدر ولایت، ۱۳۸۲.
۲۱. فرازهایی از تاریخ اسلام، جعفر سبحانی، ص ۳۸۱-۳۸۲، حوزه نمایندگی سازمان حج، ۱۳۷۱.
۲۲. صحیفه امام، ج ۶، ص ۲۲۰.
۲۳. آمریکا و اسرائیل و رژیم نژادپرست آپارتاید.
۲۴. صحیفه امام، ج ۱۹، ص ۹۳.
۲۵. حدیث ولایت، ج ۷، ص ۲۰۷، انتشارات سازمان تبلیغات اسلامی.
۲۶. صحیفه امام، ج ۱۳، ص ۳۰۸.
۲۷. ر.ک. کافی، کلینی، ج ۵، ص ۲۹، حدیث ۸، دار صعب، بیروت.
۲۸. ر.ک. رهبری امام خمینی در دفاع مقدس، ص ۱۲۷-۱۳۲ (ج ۴، عوامل معنوی فرهنگی) مرکز تحقیقات اسلامی.
۲۹. بحارالانوار، ج ۱۷، ص ۲۴.

۳۰. صحیفه امام، ج ۲۰، ص ۳۳۳.
۳۱. مجموعه آثار یادگار امام، ج ۲، ص ۶۸۷، مؤسسه آثار امام، چاپ اول، ۱۳۷۵.
۳۲. ر.ک. پرتوی از خورشید، علی شیرازی، ص ۹۱-۱۰۱، بوستان کتاب قم، ۱۳۸۱.
۳۳. مستدرک الوسائل، میرزا حسین نوری، ج ۳، ص ۳۱۶.
۳۴. ر.ک. فراهایی از سیستم قضایی اسلام، محمدی ری شهری، ص ۷۱ و ۷۲، انتشارات پاسدار اسلام.
۳۵. نهج البلاغه، خطبه ۱۶۰، ترجمه دشتی، ص ۲۱۲-۲۱۴.
۳۶. سنن النبی، علامه طباطبایی، ص ۱۴۰، کتابفروشی اسلامیه، ۱۳۶۲.
۳۷. همگام با خورشید، فردوسی پور، ص ۴۹۱.
۳۸. پرتوی از خورشید، ص ۹۶، خاطرات آقای امینی، مؤسسه آثار امام، ۱۳۷۸.
۳۹. همان، ص ۲۱۴، خاطرات آقای آشتیانی.
۴۰. در سایه خورشید، ص ۱۱۶.
۴۱. بحارالانوار، ج ۶۹، ص ۵.
۴۲. حدیث ولایت، ج ۲، ص ۲۵.
۴۳. خاطرات ماندگار، مرتضی نظری، ص ۳۱۱، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، چاپ اول، سال ۷۸.
۴۴. همان.
۴۵. ر.ک. بحارالانوار، ج ۲۰، ص ۲۱۸.
۴۶. برای توضیح بیشتر ر.ک. ماهنامه بصائر، سال ششم، ش ۲۷، تیر ماه ۷۸، ص ۷۱.
۴۷. ر.ک. تاریخ سیاسی جنگ تحمیلی عراق علیه ایران، علی اکبر ولایتی، ص ۲۷۷، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، چاپ اول، ۱۳۷۶.
۴۸. مناقب آل ابی طالب، ابن شهر آشوب، ج ۱، ص ۵۸، انتشارات علامه و تاریخ طبری، ج ۲، ص ۶۶-۶۷، اعلمی، بیروت.
۴۹. صحیفه امام، ج ۱، ص ۱۷۹.
۵۰. فصلنامه حضور، ش ۳ (بهمن ۷۰)، ص ۸۴، پژوهش‌های علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
۵۱. صحیفه امام، ج ۳، ص ۴۸۱.
۵۲. همان، ص ۵۱۳.
۵۳. همگام با خورشید، اسماعیل فردوسی پور، ص ۴۲۵، مجتمع فرهنگی اجتماعی امام خمینی فردوس، بهمن ۱۳۷۲.
۵۴. صحیفه امام، ج ۳، ص ۴۲۲.
۵۵. همان، ج ۲۱، ص ۴۱۰.
۵۶. ر.ک. تفسیر جلال الدین سیوطی، (الدر المنتور)، ج ۳، ص ۲۶۵، ذیل آیه، ۸۱، سوره توبه.
۵۷. صحیفه امام، ج ۱۶، ص ۱۳۸.